

مبارزه پی که باید آن را گسترش و سازمان دهی کرد

ماندن از حل مسائل و مشکلات داخلی، شایستگی و صلاحیت مدیریت کشور را ندارد.
* اعتصاب غذای زندانیان سیاسی و اعتراض به ادامه زندانی بود روزنامه نگاران

در هفته های اخیر اخبار گوناگونی از ادامه مبارزه نیروهای اجتماعی و سیاسی کشور

ادامه در صفحات ۴

* در راستای مقابله با مرگ تدریجی تشکل های دانشجویی و اعتراض به فضای بسته دانشگاهها و فضای امنیتی و پلیسی حاکم بر دانشگاه و دفاع از جامعه آزاد و باز در دانشگاه، انجمن اسلامی امیرکبیر تحصنی را آغاز کرده است که مورد حمایت عموم دانشجویان و دفتر تحکیم وحدت است

* « ما بر این باوریم که حاکمیت انتصابی با ناتوانی در شناسایی و دفاع از منافع ملی و حیاتی کشور در برابر جهان خارج و عاجز



شماره ۷۰۸، دوره هشتم
سال بیستم، ۲۵ اسفند ماه ۱۳۸۳

با کژاوہ گل ها

از قرن ها کژاوہ گل ها فرا رسید
بار دگر حیات به جان زمان دمید
خورشید شوق تابش دیرینه بازیافت
گرمی نشست بر دل ما با حلول عید
در کوچه باغ عشق شکوه بنفشه شد
آماج گاه بوسه موی بلند بید
بلبل به نغمه آمد و چون روی گل شگفت
تا غنچه های بوسه زلب های غنچه چید
آرامش نسیم به باغ و چمن نشست
افسون عطر یاس به سوی سمن دوید
پروانگان مست به پرواز آمدند
صهبای ژاله بر دهن نسترن چکید
بر جوی ها و دامنه کشتزارها
پیچید بوی پونه و ریحان و شنبلیله
شادان و جاودان زی ید این رسم دیرپای
کش شادی از قرون به دل این زمان کشید
این پیر سالخورده تاریخ گل نمای
بر کوچ گاه کهنه بنایی نو آفرید
تا جاودان حلاوت نوروز زنده باد
پیوسته باد گرم ترین دید و بازدید

ایرج

شادباش نوروزی کمیته مرکزی حزب توده ایران

نوروزتان مبارک و رزم تان پیروز باد!

در میهن ما بود. آغاز سال ۸۳ مصادف بود با شروع به کار مجلس فرمایشی ارتجاع که در مضحکه پی به نام انتخابات و با حذف هزاران نامزد انتخاباتی به جرم دگراندیشی تشکیل می گردید. به کرسی نشستگان این خانه ارتجاع عمدتاً مشتی مزدور گوش به فرمان ولی فقیه و دیگر سران ارتجاع بودند که بر خلاف خواست مردم در مقام قانون گذاری کشور قرار می گرفتند. رد صلاحیت هزاران تن از نامزدهای انتخاباتی مجلس در کنار شمار زیادی از منتخبین

کمیته مرکزی حزب توده ایران، فرا رسیدن نوروز و آغاز سال ۱۳۸۴، را به همه هم میهنان گرامی تبریک می گوید و امیدوار است که سال نو، همچون فرا رسیدن بهار نوید بخش رهایی مردم از چنگال استبداد و ستم حاکم بر میهن ما باشد.

هم میهنان گرامی!
سال ۱۳۸۳، سال دشوار حوادث ناگوار و یورش همه جانبه ارتجاع حاکم به منظور درهم کوبیدن صدای آزادی خواهی و عدالت جویی



این حزب نموده مبارک گل های
برو چرخه کند با بی تو ایزد
تا جاودان حلاوت نوروز زنده
پیوسته باد گرم ترین دید و بازدید

حزب توده ایران

بدرود رفیق مارین در ص ۸

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

چرا دستمزدها مطابق نرخ واقعی تورم افزایش نمی یابد؟

* مبارزه برای افزایش سطح دستمزدها مطابق با نرخ واقعی تورم، همچنان یکی از عرصه های عمده پیکار طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان قلمداد می گردد. در این زمینه باید بیش از گذشته سیاست های ریاکارانه رژیم بویژه نمایندگان مجلس هفتم را افشا کرد!

در آستانه نوروز و فرارسیدن سال نو خورشیدی، زحمتکشان هنوز در انتظار برگزاری جلسات شورای عالی کار به منظور بررسی و تصمیم گیری درباره میزان حداقل دستمزدها در سال آینده هستند.

بر پایه گزارش های رسانه های همگانی، تا نیمه اسفند ماه امسال، جلسات نوبتی شورای عالی کار که هر ساله با حضور نمایندگان کارفرما، دولت و نیز نهادهایی چون خانه کارگر برگزار می شد، تشکیل نشده است. خبرگزاری کار ایران، ایلنا به تاریخ ۱۱ اسفند ماه، از قول معاون روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی خبر داد، عدم حضور نمایندگان کارفرمایان علت تعویق در تشکیل جلسات شورای عالی کار است!

پیش از این رئیس هیات مدیره کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران اعلام داشته بود، این کانون به نمایندگی از سوی کارفرمایان به نحوه توزیع بن کارگری اعتراض داشته و آن را قابل قبول نمی داند. این مقام مسئول کانون عالی کارفرمایان تصریح نموده بود، نمایندگان این تشکل کارفرمایی هیچ گونه نظارتی بر روند توزیع بن کارگری ندارند. به دنبال این حرکت، انجمن های صنفی کارفرمایان از حضور در نشست های شورای عالی کار خود داری کرده و نیز از شرکت در کمیته ای که وزارت کار جهت بررسی موارد مورد اعتراض ایشان در محل وزارت کار برپا شده بود، استنکاف کردند. برپایه مقررات موجود در جمهوری اسلامی، نحوه توزیع، کیفیت کالا و نوع کالاهای بن کارگری زیر نظارت مستقیم ستادی متشکل از نمایندگان کارفرما، خانه کارگر و دولت انجام می پذیرد. کلیه تصمیمات ستاد بن (یا کالا برگ) کارگری به صورت سه جانبه اجرا می گردد و صورت جلسات ستاد مذکور باید به امضاء نمایندگان سه گروه برسد.

به هر جهت اعتراض کارفرمایان منجر بدان شده است که در آستانه نوروز میزان حداقل دستمزد کارگران برای سال ۸۴ تاکنون نامشخص باقی بماند. البته ناگفته پیداست، اقدام اخیر کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایان، صرفاً حرکتی به عنوان اعتراض نیست، بلکه این سیاست با هدف معینی که از سوی مراکز قدرت در رژیم ولایت فقیه حمایت می شود، به

مرحله اجرا درآمده است.

برای آنکه به ژرفای این برنامه پی ببریم، سخنان رییس کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران جالب توجه است: عطاردیان، در تاریخ ۱۸ اسفند ماه به خبرگزاری کار ایران، ایلنا، در رابطه با عدم حضور نمایندگان کارفرما در جلسات شورای عالی کار از جمله می گوید: «تا زمانی که در بحث بن کارگری تشکلات کارگری حاضر به همکاری سه جانبه در خصوص نحوه هزینه کردن آن نباشند، کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی، در رابطه با دستمزدهای سال ۸۴ هیچ جلسه ای برگزار نخواهد کرد.» وی سپس ادامه می دهد: «کارفرمایان برای تامین رفاه کارگران خود حاضر به افزایش بن کارگری شده اند، اما خواهان نظارت کامل برای ساماندهی در نحوه هزینه کردن بودجه بن کارگری هستند... عامل توزیع می بایست برای کاری که انجام می دهد کارمزد دریافت کند.» رییس کانون عالی کارفرمایی متذکر می گردد: «کارفرمایان در سال گذشته به وعده خود مبنی بر افزایش بن به میزان ۱۰۰ درصد و افزایش حداقل دستمزد کارگران برابر توافق عمل کردند، مشروط بر آنکه نحوه هزینه کردن بن کارگری با نظارت سه جانبه انجام شود، ولی تا به حال به این شرط عمل نشده است، کارفرمایان بخش خصوصی با کارگران خود هیچ مشکلی نداشته و ندارند، بلکه این تشکل های کارگری [یعنی نهادهایی مانند خانه کارگر که تشکل مستقل کارگری محسوب نمی شوند] هستند که در مورد حل مشکلات نرمش لازم را به کار نمی برند.»

سیاست مورد اشاره رییس کانون عالی کارفرمایان، ارتباط مستقیم با عملکرد مجلس هفتم دارد. در واقع حرکت تشکل های کارفرمایی در هماهنگی کامل با اقدامات مجلس قرار دارد. به بیان روشن جلسات شورای عالی کار درباره میزان حداقل دستمزدها به این دلیل تشکیل نشده است که بحث رسیدگی به بودجه سال آینده و مجموعه برنامه ها و سیاست هایی که قرار است پیاده شود، کاملاً شفاف و روشن نیست. بویژه اینکه کشمکش میان جناح بندی های حکومتی بر سر تصاحب کرسی ریاست جمهوری جریان دارد و چگونگی اجرای این برنامه بستگی به این امر خواهد داشت. به این ترتیب حقوق و منافع زحمتکشان بدون آنکه توجهی به آن وجود داشته باشد، با شدت و به نحوی خشن پامال می گردد. واقعیت نشان می دهد، تمام کوشش رژیم ولایت فقیه تامین امنیت سرمایه به بهای نابودی امنیت شغلی زحمتکشان است، و به همین دلیل قدرت مانور کارفرمایان افزایش یافته است. و در این میان این کارگران و زحمتکشان هستند که فاقد هرگونه امکان و حق قانونی هستند و حتی از داشتن تشکل های مستقل صنفی (سندیکا) که بتواند از منافع صنفی رفاهی آنان حمایت کند، محروم اند. عدم برگزاری جلسات شورای عالی کار و نامعلوم بودن میزان حداقل دستمزدها برای سال آینده، نمایانگر آن شرایط ناگواری است که زحمتکشان میهن ما در آن گرفتار آمده اند. بی شک در پس این اقدام یعنی به تعویق افتادن جلسات شورای عالی کار، سیاست و هدفی نهفته است که بی ارتباط با اوضاع سیاسی کنونی نیست. و درست به همین علل است که مبارزه زحمتکشان باید بیش از پیش معطوف به افشای سیاست های ریاکارانه ارتجاع بویژه نمایندگان مجلس هفتم باشد.

پیروزی مجدد کمونیست ها در مولداوی

در انتخابات پارلمانی مولداوی در روز ۱۶ اسفند ماه (۶ مارس) حزب کمونیست، که حاکمیت این کشور را به دست داشت، توانست با به دست آوردن ۴۶/۱ درصد آرا، بار دیگر اکثریت آرا را در این کشور به دست آورد، هرچند که این آرا نسبت به انتخابات سال ۲۰۰۱ نشانگر دو درصد کاهش است. به دلیل شرایط ویژه مولداوی و سیاست های اتخاذ شده از سوی حزب کمونیست برای مسیر تحولات آینده ی کشور، برخورد های بین المللی با این پیروزی متنوع و به بیانی در برخی موارد سؤال برانگیز بود. روسیه که در سال های اخیر همیشه رابطه ای دوستانه با مولداوی داشته است، روابطش با این کشور رو به تیرگی گذاشته، تا آنجایی که دولت مولداوی از حضور ناظرین روسی در انتخابات جلوگیری کرد و چندی پیش از آن نیز ۲۰ نفر از اتباع روسی را به جرم جاسوسی از کشور اخراج کرد (گاردین ۷ مارس ۲۰۰۵). در انتخابات اخیر هر سه حزب بزرگی که توانستند حد نصاب ۶ درصدی ورود به مجلس را به دست آورند، با شعار های جدایی از روسیه و طرفداری از غرب، وارد مبارزات انتخاباتی شده بودند. حزب کمونیست با شعار نزدیکی به اتحادیه اروپا خواستار ملحق شدن به این کلوب کشورهای سرمایه داری اروپاست. برنامه های اجتماعی- اقتصادی حزب کمونیست در چهار سال گذشته باعث رشد اقتصادی کشور شده است، اما با این وجود مولداوی هنوز فقیرترین کشور اروپاست.

پیروزی حزب کمونیست در این انتخابات به رغم پشتیبانی آن از پیوستن به اتحادیه اروپا، چندان برای آمریکا خوشایند نبود و احزاب پشتیبانی شده از سوی آمریکا نیز چه پیش از انتخابات و چه پس از آن، تهدید به عدم پذیرش نتایج انتخابات در صورت پیروزی حزب کمونیست کردند. هدف از چنین تهدیدی ایجاد شرایطی مشابه با اوکراین بود تا در صورت وجود کوچک ترین امکان و اختلاف کم آرا، بتوانند با شعار تجدید انتخابات جدیدی شرایط تغییر رژیم را در این کشور فراهم آورند. اما به دلیل اختلاف فاحش میان آرای حزب کمونیست و سایر احزاب، این امکان منتفی شد. اما با این حال دو حزب دیگر دارای نماینده در مجلس اعلام کرده اند که حاضر به دادن رای اعتماد به رئیس جمهوری پیشنهاد شده از سوی حزب کمونیست نیستند و تلاش خواهند کرد تا انتخابات زود رس دیگری برگزار شود. ببرند. (خبرگزاری سی ان ان ۷ مارس ۲۰۰۵). این حزب سال گذشته با کمک «سازمان های غیر دولتی» آمریکا پایه گذاری شد. (گاردین ۷ مارس ۲۰۰۵). ریچارد بوچر، سخنگوی رسمی وزارت امور خارجه ی آمریکا نیز پس از اعلام نتیجه ی انتخابات گفت: «تمایلات منفی که در میان برگزارکنندگان انتخابات پارلمانی در مولداوی مشاهده گردید، ممکن بود بر نتیجه رای گیری تاثیر بگذارد» (سایت اخبار روسیه ۸ مارس ۲۰۰۵). «ولادیمیر ورونین» رئیس جمهور مولداوی نیز در اولین سخنرانی خود پس از انتخابات گفت که: «... یکی از مهمترین نتایج انتخابات اخیر عدم بروز انقلابی بود که بسیاری انتظار آن را داشتند.» او اضافه کرد که: «مهم ترین انقلابی که در این کشور رخ داد در سال ۲۰۰۱، طی انتخابات پارلمانی گذشته در کشور بود که سران آورده به فساد مالی از عرصه سیاسی کشور خارج شدند... و یکی از مهم ترین اهداف دولت مولداوی نیز بازگرداندن این پول ها به مردم است.»

ما هرگونه مداخله خارجی و نظامی در ایران را مردود می شماریم!

ما از مبارزه برای تغییرات دموکراتیک و

مترقی در ایران حمایت می کنیم!

ما امضاء کنندگان این بیانیه، نمایندگان احزاب کارگری-کمونیستی، با نگرانی شاهد صدور بیانیه های غیرمستولانه و پرخاشگرانه دولت ایالات متحده و تهدید ایران به حمله نظامی هستیم. ما معتقدیم که سیاست آمریکا در رابطه با ایران در حقیقت بخشی از برنامه این کشور برای مجبور کردن کشورهای خاورمیانه به قبول طرح «خاورمیانه بزرگ» و گردن نهادن به هژمونی سیاسی- اقتصادی و نظامی امپریالیسم آمریکا است. ما معتقدیم که هرگونه تهاجم آمریکا و یا اسرائیل، محدود و یا همه جانبه، بر ضد تاسیسات هسته ای- نظامی و یا استراتژیک سیاسی، یک فاجعه تمام عیار برای امر حقوق بشر و دموکراسی و برای تمامی آنانی است که برای یک جایگزین دموکراتیک در ایران مبارزه می کنند. مردم و نیروهای مترقی و دموکراتیک که برضد دیکتاتوری در ایران مبارزه می کنند، قویاً مخالف هرگونه دخالت خارجی در ایران هستند. ما معتقدیم که سیاست تهدیدات مداوم ایالات متحده همچنین با هدف یاری دادن به نیروهای طرفدار آمریکا در درون ایران طراحی شده است که آنان بتوانند خود را در مقام تنها «ناجیان ملت» در مقابل تهاجم آمریکا به ایران جلوه دهند. ما معتقدیم که هرگونه حمله نظامی به ایران و یا هر کشور دیگر خاورمیانه ضربه عمده ی دیگری به صلح جهان و کارزار مردم منطقه برای حقوق بشر، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی است. ما مخالف جنگ هستیم و برای صلح و پیشرفت مبارزه می کنیم. ما حمایت و همبستگی خود را با جنبش مردمی برای آزادی و دموکراسی در ایران اعلام می کنیم.

احزاب امضاء کننده:

حزب کمونیست ویتنام- حزب کمونیست ژاپن- حزب کمونیست هند (مارکسیست)- حزب کارگران پاکستان- حزب عمل شهروندان فیلیپین (اکیان)- حزب توده ایران- سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)- حزب مردم فلسطین- ائتلاف دموکراتیک فلسطین- حزب کمونیست لبنان- حزب کمونیست سوریه- حزب کمونیست اسرائیل- حزب کمونیست عراق- جبهه ترقی خواه بحرین- حزب کمونیست ترکیه- حزب دهاپ ترکیه- حزب دموکراسی و سوسیالیسم الجزایر- حزب ترقی و سوسیالیسم مراکش- حزب کمونیست آفریقای جنوبی- جنبش پولیساریو (صحرا)- جنبش مقاومت کنگو (طرفداران لومومبا)- جنبش اپوزیسیون دموکراتیک کنگو- حزب کمونیست فرانسه- حزب کمونیست پرتغال- حزب کمونیست یونان- ائتلاف چپ دموکراتیک یونان (سیناسپیسیموس) = حزب کمونیست بوهمیا و موراویا- حزب کمونیست اسلواک- حزب کمونیست بلغارستان- حزب اتحاد سوسیالیستی رومانی- آکل (حزب زحمتکش مترقی قبرس)- حزب کمونیست آلمان- حزب کمونیست اتریش- حزب کمونیست رفونداسیون ایتالیا- حزب کمونیست رفونداسیون سان مارینو- حزب کمونیست اسپانیا- اتحاد چپ اسپانیا- حزب کمونیست کاتالونیا- اتحاد چپ کاتالونیا- حزب کمونیست فنلاند- حزب کارگران مجارستان- حزب کارگران ایرلند- حزب کمونیست بریتانیا- حزب کمونیست بریتانیای کبیر- حزب کمونیست نوبل هلند- حزب کمونیست سوئد- حزب کمونیست در دانمارک- حزب کمونیست لوکزامبورگ- ائتلاف سبز و سرخ دانمارک- حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا- حزب کمونیست کانادا- حزب کمونیست های مکزیک- حزب کمونیست آرژانتین- حزب کمونیست برزیل- جنبش انقلابی شیلی (میر)- جبهه آزادیبخش ساندینیستی نیکاراگوئه- حزب کمونیست ونزوئلا- جنبش بولیواری ونزوئلا- حزب کمونیست کلمبیا- جنبش برای سوسیالیسم بولیوی.

ادامه مبارزه‌ی بی‌کفایتی که باید آن را گسترش...

منتشر شد که حائز اهمیت است. این اخبار در عین نشان دادن این حقیقت که مبارزه بر ضد استبداد حاکم همچنان در بطن جامعه ما زنده و در حال فعالیت است، نشانگر این واقعیت اساسی نیز است که باید برای تغییر اوضاع دشوار کنونی بر تلاش‌ها برای سازمان دهی صف واحدی از همه مبارزان ضد استبداد و ضد رژیم دیکتاتوری حاکم افزود. در اخبار آمده بود که ۵۶۵ نفر از اندیشمندان فعالان سیاسی و دانشجویی ایران با انتشار بیانیه‌ی خواهان برکناری مدیریت کشور شده‌اند. در این اعلامیه از جمله ذکر شده بود که: «در حالی که صاحبان قدرت و وابستگان به حاکمان انتصابی کوشش دارند مردم را به پیش‌بازیهای انتخابات ریاست جمهوری سرگرم کنند، کشور ما از لحاظ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، یکی از سخت‌ترین دوره‌های بحرانی حیات تاریخی خود را می‌گذراند. امروز در اثر سیاستهای تنش‌آفرین حکومت ایران با جهانیان، منافع ما ایرانیان در عرصه بین‌المللی از هر سو مورد خدشه قرار گرفته است.» در دنباله اعلامیه می‌خوانیم که: «تمرکز ثروتهای عظیم در داخل و خارج از کشور در دست عده‌ای اندک (کمتر از دو درصد جمعیت کشور) بوده است. و بالاخره، رشد قارچ مانند بدنه دولت و وجود بوروکراسی بشدت بیمار و دست و پاگیر - برخوردارهای سرکوبگرانه حاکمیت با اندیشمندان، نویسندگان، رونامه‌نگاران، فعالان سیاسی و جنبشهای پویای فعال دانشجویی، همراه با پشتیبانی همه جانبه و تاسف بار قوه قضائیه - نادیده انگاشتن حقوق شهروندی برابر برای همه زنان و مردان و ایجاد ذهنیت بشدت منفی در شماری از هموطنان سخت کوش و ایسته به تیره‌ها و اقوام گوناگون ایرانی، بر اثر بی‌توجهی و فراهم نساختن امکانات و موجبات رشد و توسعه اقتصادی برابر در آن مناطق، عدم ایجاد فرصتهای برابر برای آنها در راستای واگذاری مسئولیتهای اساسی در اداره کشور، پدیده نگران کننده‌ایست که بشدت همبستگی ملی و یکپارچگی کشور را با خطر مواجه ساخته است. هموطنان عزیز: در این شرایط بحرانی و اوضاع و احوال نابسامان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، که می‌رود تا به استقلال و همبستگی ملی ما آسیب جدی وارد آورد، وظیفه ما چیست و راه بیرون رفت از این بحرانهای که متضمن دوام و بقای میهن و خوشبختی و رفاه و سربلندی مردم ما باشد کدام است؟» امضاء کنندگان بیانیه در انتها اشاره می‌کنند که: «ما بر این باور هستیم که جریان حکومتگر، با هدف حفظ انحصار قدرت با ایجاد نهادهای ضد مردم سالاری و بهره‌گرفتن از نهادهای انتصابی که در راس آن شورای نگهبان قرار دارد، از یک سو مردم را از حق انتخاب شدن برای قبول خدمتگزاری عمومی و آزادی انتخابات محروم کرده، و از سوی دیگر با از بین بردن اصل اولیه شایسته سالاری، امور حکومتی جامعه را بدست کسانی سپرده است که بطور عمده فاقد صلاحیت علمی، تجربی، تعهد اجتماعی و مدیریت کارآ می‌باشند. نتیجه ملموس این عارضه و تسلط این تفکر بر امور کشور، به بن بست کشاندن جامعه و عاجز کردن دولت و حکومت در راه حل یابی برای مسائل آن است. ما بر این باوریم که حاکمیت انتصابی با ناتوانی در شناسایی و دفاع از منافع ملی و حیاتی کشور در برابر

جهان خارج و عاجز ماندن از حل مسائل و مشکلات داخلی، شایستگی و صلاحیت مدیریت کشور را ندارد. با توجه به آنچه که درباره نارساییها و ناتوانیهای حاکمیت بر شمرده شد، و حرکت خودجوش اکثریت ملت ایران در عدم شرکت در انتخابات دومین دوره شوراهای شهر و هفتمین دوره مجلس و روحیه عدم تمایل آنان به شرکت در انتخابات ریاست جمهوری آینده، گواهی بر این واقعیت است که دیگر نمی‌توان با این ترتیب بسوی مردم سالاری، دموکراسی، حکومت قانون، حاکمیت ملت، انتخابات آزاد و تفکیک قوای سه گانه متعارف و جمهوری واقعی گام برداشت. تجربه هشت ساله پس از خرداد ۱۳۷۶، نشان داده است که با این ترتیب اصلاحات مورد نظر مردم امکان پذیر نیست و در بهترین شرایط که مردم امکان اظهار نظر داشته باشند، و حتی با میلیونها رای رییس جمهوری را برگزینند و مجلس موافق او را نیز بر پای دارند، در نهایت رییس جمهور کشور به سطح یک تدارکات چی مراکز قدرت و نهادهای غیرانتخابی سقوط خواهد کرد. ما امضاء کنندگان، فرصت و راهکار حتمی و نهایی را گردن نهادن به رای و اراده ملی دانسته و خواستار آنیم که ساختار قدرت حکومت، اداره امور کشور و روابط بین‌المللی آن بدون سوء استفاده غیر مردمی از قانون اساسی، مانند همه کشورهای پیشرفته جهان، بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای دو گانه الحاقی و منشور ملل متحد، با توجه به حفظ منافع ملی، طراحی شود، تا با استقرار مردم سالاری، شایسته سالاری در انتصابات و پذیرش خدمتگزاری عمومی و یک نظام اقتصادی پویا و کارآمد بر پایه تامین عدالت اجتماعی و در راستای توسعه پایدار، میهن و مردم ما از شرایط بحرانی خطرناک موجود توانمندانه‌رهایی یابند و در راه سعادت و رفاه و اعتلای شایسته با توجه به رسالت تاریخی خود، در تعامل با ملتهای جهان گام بردارند...

ما ضمن استقبال از چنین تلاش‌هایی، با حفظ نظرات خود، معتقدیم که می‌توان با تلاش مشترک پایه چنین تلاش‌هایی را در جامعه گسترش داد و راه را برای اقدام‌های بعدی هموار ساخت.

همچنین در اخبار آمده بود که در راستای مقابله «با مرگ تدریجی تشکل‌های دانشجویی و اعتراض به فضای بسته دانشگاهها و فضای امنیتی و پلیسی حاکم بر دانشگاه و دفاع از جامعه آزاد و باز در دانشگاه، انجمن اسلامی امیرکبیر تحصنی را آغاز کرده است که مورد حمایت عموم دانشجویان و دفتر تحکیم وحدت است.» در اطلاعیه روابط عمومی دفتر تحکیم وحدت، در حمایت از تحصن انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر، از جمله آمده است که: «سالهاست که دانشجویان فشارهای سنگین امنیتی و قضایی را متحمل می‌شوند تا از نهادهای مردمی حداقلی باقی مانده در جامعه مدنی پاسداری کنند و از این رهگذر هزینه‌های گزافی را نیز پرداخت کرده‌اند. اما در دوران حاضر اربابان قدرت اساس دانشگاه را نشانه رفته‌اند و برای خاموش کردن آن به هر ابزاری دست می‌زنند. روزی تشکلی نوظهور و ساختگی را به جان دانشجویان و تشکل‌های اصیل دانشجویی می‌اندازند و دیگر روز که عمده‌های نو ظهورشان کاری از پیش نمی‌برند، نهادهای شبه نظامی و غیر دانشگاهی شان را تقویت می‌کنند و با هزینه کردن بودجه‌های میلیاردی از کیسه ملت، ابزاری نظامی و پلیسی در دانشگاه می‌سازند. تشکل‌های اصیل و آزاد دانشجویی را به بهانه‌های مختلف و با ابزار هیات نظارت از عرصه فعالیت دانشگاهی می‌رانند و فعالان دانشجویی را به ابزار قضایی، امنیتی و انضباطی به سکوت می‌کشاند. در این میان انجمن‌های اسلامی که سابقه تاسیس و فعالیتشان از عمر جمهوری اسلامی بیشتر است، بیشترین حجمه

ادامه مبارزه یی که باید...

ها را متحمل می شوند... دفتر تحکیم وحدت ضمن حمایت از اقدام مدنی و تحصن قابل تقدیر انجمن اسلامی امیرکبیر، اعلام می دارد که تحصن ابزاری مدنی و همیشگی جنبش دانشجویی در پیگیری مطالباتش خواهد بود که تحت هیچ شرایطی امکان سلب حق تحصن از دانشجویان ممکن نیست و با این اقدامات زمین بازی دانشگاه را به نفع نهادهای نامشروع شبه نظامی و امنیتی ترک نخواهد کرد.

ما نیز ضمن ابراز حمایت از این تحصن دانشجویان دانشکده امیرکبیر معتقدیم که همبستگی و اعتراض های مشترک با این تحصن راه حمایت فعال از این تلاش های تحسین برانگیز است. در اخبار همچنین آمده بود که چهار تن از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر کرج در اعتراض به شرایط غیر انسانی این زندان دست به اعتصاب غذا زده اند. در بیانیه زندانیان اعتصاب کننده آمده بود که ما: «در حالی دست به اعتصاب غذای دو روزه میزنیم تا باز با یاری هم میهنان داخل و خارج؛ کوشندگان حفظ خانواده ی بشری صدای فریادهای خود را از درون زندان های ایران بویژه رجایی شهر کرج تبعیدگاه مخوف ایران به گوش حافظان حقوق انسانی برسانیم. به جهانبان بگویند جمهوری اسلامی پایبند حتی کوچکترین خواسته ی انسانی نیست. هر اعتراضی؛ هر تحصنی؛ هر نوشته ای مصادف است با حبس و تبعید. به آنان بگویند از آغاز اجلاس کمیسیون حقوق بشر تا پایان ان منتظر محکومیت جمهوری اسلامی ایران هستیم...» خبرگزاری ها اسامی اعتصاب کنندگان را: بینا داراب زند - مهندس ارژنگ داوودی - حجت زمانی - جعفر اقتدای، اعلام کردند. مبارزه در راه رهایی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی کشور از چنگال رژیم استبدادی بخش جدا ناپذیری از تلاش برای تحقق آزادی و دموکراسی در میهن ماست. باید دست در دست هم تلاش ها در این عرصه را دو چندان کرد.

ادامه گزارش ۱۷-مین کنگره حزب ...

بلغارستان است.

رهبری حزب در جریان بحث های کنگره شدیداً با تزهایی مبنی بر ورود امپریالیسم به مرحله جدیدی مخالفت کرد. آلکا پارایگا در بحث های خود متذکر شد که امپریالیسم در وجوه اساسی خود با همان دینامیسمی که لنین توضیح داده بود، باقی مانده است، گرچه موازنه نیروها در سطح جهان اکنون بسیار منفی تر از دوره ماقبل از ۱۹۸۹ است. در مقابل این تز، نظریه دیگری نیز ارائه شد که معتقد بود که سرمایه داری یونان سرمایه داری بی وابسته است و بصورت فزاینده ای به مقام درجه دو و گوش فرمان امپریالیسم خارجی تقلیل یافته است. پی آمد اساسی این تز در عمل متوجه تشکیل ائتلاف ها و اتحاد ها با بورژوازی و یا بخش هایی از آن حول موضوعاتی از قبیل استقلال ملی بود. نظر رهبری حزب برادر که در کنگره به صورت یک پارچه یی مورد حمایت قرار گرفت، در مقابل مطرح می کرد که هرگونه اتحاد عمل و ائتلافی می بایست رأس طبقه کارگر متمرکز باشد و هدف آن ایجاد «اقتصاد مردمی» به مثابه پایه گذار به سوسیالیسم باشد. این نظر همچنان معتقد بود که سوسیالیسم باید به عنوان مرحله بعدی مطرح باشد. این نقطه نظر موضوعیت داشتن دکترین لنین در مورد «ضعیف ترین حلقه زنجیر» در بین کشورهای سرمایه داری را مورد تاکید قرار می داد. یکی از تبعات این نظریه توجه به نیاز توسعه عملی «جبهه ضد امپریالیستی، ضد انحصاری و دموکراتیک و عملکرد «پامه» (مرکز اتحادیه های کارگری چپ یونان) بود. این امر به مثابه وظیفه اصلی حزب پس از کنگره ۱۷ مورد تصریح قرار گرفت.

در رابطه با مسایل بین المللی کنگره نیاز به تقویت و وحدت بخشیدن به قطب کمونیستی را به منظور تاثیر بر تحولات و مقابله با ایدئولوژی های ضد سوسیالیستی تاکید می کرد. در این رابطه کنگره به ضرورت ارجحیت دادن به ارزیابی عینی و متوازن از دستاوردها و مشکلات کشورهای سوسیالیستی در سال های قبل از ۱۹۸۹ توجه داد. کنگره حزب کمونیست یونان به صورت مشخص ابتکار تعدادی از احزاب کمونیست و سوسیالیست چپ اروپا (شامل حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست رفونداسیون ایتالیا و حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان) مبنی بر تشکیل «حزب چپ اروپایی» را مورد انتقاد قرار داده و به مثابه یک انحراف ایدئولوژیک قلمداد کرد. کنگره اظهار نگرانی کرد که این روند احزاب عضو آن را به سمت آشتی با ساختارهای دولتی نولیبرالی در اروپا و کمونیست زدایی هدایت

خواهد کرد. در رابطه با احزاب دیگر، دورنمای مطرح شده از سوی حزب کمونیست یونان بر ضرورت رابطه نزدیکتر و متحدانه تر در میان آن احزابی که مواضع روشن و دقیق مارکسیستی لنینیستی دارند، به موازات حفظ رابطه با آن احزابی که از نظر ایدئولوژیک تفاوت هایی با مارکسیسم لنینیسم دارند، تأکید داشت. از آمار قابل توجه در مورد کنگره از جمله این نکته بود که بیش از ۶۹ درصد نمایندگان کنگره کارگر بودند، ۱۷ درصد نمایندگان زیر ۴۰ سال و ۷۵ درصد نمایندگان بین ۴۰ تا ۶۰ سال سن داشتند، و درصد نمایندگان زن در کنگره ۱۸ درصد بود. کنگره در آخرین روز خود با انتخاب یک کمیته مرکزی ۷۷ نفره و تصویب قرارهای لازم به کار خود خاتمه داد.

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران، ضمن ارائه پیام کمیته مرکزی حزب ما به رفقای یونانی، در طول کنگره در جریان ملاقات های دوجانبه و چندجانبه گفت و گوهای سودمندی را در رابطه با روابط متقابل و همچنین شرایط کار و مبارزه در شرایط کنونی و تبادل نظر با نمایندگان احزاب برادر و از جمله از کشورهای تاجیکستان، ویتنام، سودان، بحرین، کوبا، اوکراین، فلسطین، مالتا، قبرس، هلند به انجام رساند. در دومین روز کنگره در چهارچوب ابتکار سودمندی از سوی حزب کمونیست یونان نماینده حزب ما به همراه هیئت های نمایندگی ویتنام، اوکراین، آرژانتین، بحرین و مالتا به شهر بندری پیروس در حوالی آتن رفت و در جلسه عمومی کمیته ایالتی حزب شرکت کرد و در رابطه با همبستگی بین دو حزب برادر، تحولات جهان و منطقه خاورمیانه سخنرانی کرد. نماینده حاضر قبل از شروع جلسه در گفت و گویی با اعضای کمیته ایالتی حزب برادر در جریان کار، مبارزه و فعالیت کمونیست ها قرار گرفتند و در انتها به دعوت شهردار کمونیست شهر در ضیافت شامی شرکت کردند در روز ۱۱ فوریه به درخواست کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان نماینده حزب ما با هیأتی به رهبری رفیق خانم دیامانتو مانولاکو، عضو کمیته مرکزی و نماینده پارلمان اروپا از یونان، ملاقات و در رابطه با تحولات ایران و خاورمیانه بحث و تبادل نظر کردند. در این گفتگوها عوارض منفی سیاست های تجاوزگرانه ایالات متحده در منطقه و رشد نظامی گری و تهدید به جنگ های دیگر بر ضد کشورهای منطقه و چگونگی هماهنگ کردن فعالیت برای دفاع از جنبش صلح و عدم تعهد مورد توجه قرار گرفت. رفیق مانولاکو آمادگی خود و دیگر نمایندگان کمونیست و چپ پارلمان اروپا را برای حمایت از مبارزه مردم ایران برای صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی مورد تاکید قرار داد.

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب

مجلس ششم بار دیگر موید این مسأله اساسی بود که در رژیم ولایت فقیه «قانون»، «قانون اساسی» و نهادهای انتصابی آن نقشی جز حفظ و تحکیم پایه های ارتجاع را ندارند و تلاش در راه اصلاح شیوه حکومت مداری در ایران با حفظ این ساختارها و در این چارچوب ها امکان پذیر نیست. پایان مجلس ششم با تحصن شمار زیادی از نمایندگان رد صلاحیت شده توسط شورای نگهبان ارتجاع همچنین نشانگر آغاز دور جدیدی از سرکوبگری و تشدید فشار بود. دستگیری شمار زیادی از فعالان جنبش دانشجویی، نویسندگان و روزنامه نگاران کشور، بستن روزنامه ها و یورش به مراکز خبری اینترنتی و دستگیری کارمندان و نویسندگان این مراکز با هدف آماده کردن زمینه برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ تدارک دیده شده و به مرحله اجرا درآمد.

سیاست استحاله «نظام»، از طریق مماشات، مصالحه و «آرامش فعال» که در واقع در انتها تنها به حفظ تمامی ساختارها و اهرم های قدرت ارتجاع یاری رساند فرصت تاریخی یگانه بی را فدای کژ اندیشی و منافع تنگ گروهی شمار محدودی کرد که نمی توانستند خود را از حصارهای ارتجاعی حفظ «ولایت فقیه» آزاد کنند. بر خلاف تمام قول های داده شده در زمینه استقرار «جامعه مدنی» و «حکومت مردم سالاری» آنچه امروز مطرح می شود افسوس فرصت های از دست رفته، و نگرانی جدی از پراکندگی بیش از پیش «اصلاح طلبان حکومتی» و اعتماد خدشه دار شده میلیون ها ایرانی است که پا در راه گذاشتند و با جسارت تلاش کردند تا راه را به سمت تحولات بنیادین و دموکراتیک بگشایند.

سال ۱۳۸۳، سال ادامه دشواری های اقتصادی و فشار کمر شکن فقر و محرومیت بر میلیون ها هم وطن زحمتکش بود که در نبود یک ساختار صحیح و عادلانه تولید و توزیع ثروت ملی همچنان از تأمین یک زندگی حداقل برای خود و خانواده شان محرومند. با وجود افزایش شدید قیمت نفت، در سال های اخیر، و در نتیجه افزایش درآمد رژیم از محل فروش آن سطح زندگی اکثریت جامعه همچنان روند نزولی طی کرده است. بیکاری میلیون ها ایرانی، خصوصاً جوانان کشور که هر ساله به بازار کار افزوده می شوند، نبود امکانات لازم آموزشی متناسب با نیازهای جامعه، تورم فزاینده و محرومیت شدید همچنین زمینه ساز تشدید ناهنجاری های اجتماعی، خصوصاً اعتیاد و فحشا در ابعاد بسیار گسترده و نگران کننده بی در سراسر جامعه است. در «نظام نمونه» جهان بخش بسیار محدودی از جامعه، از جمله سران ارتجاع و وابستگان و «آقا زاده ها»، کلان سرمایه داران تجاری و سرمایه داران فاسد و انگلی رشد یافته در درون دستگاه دولتی ثروت های افسانه بی برای خود اندوخته اند و با غارت بی سابقه منابع ملی خسارات جبران ناپذیری را بر امکانات و زیر ساختار تولیدی کشور وارد آورده اند. روند خصوصی سازی کارخانه ها و مراکز تولیدی کشور، «تعديل

نیروی انسانی»، که چیزی جز بیکار کردن صد ها هزار کارگر زحمتکش نیست و کنترل مافیایی کلیه فعالیت های اقتصادی کلان کشور توسط وابستگان رژیم و از جمله نیروهای نظامی همچون سپاه پاسداران و بنیاد های ضد مردمی از ویژگی های اساسی اداره جامعه در رژیم ولایت فقیه است.

هم میهنان عزیز!

ما در حالی به استقبال آغاز سال ۱۳۸۴ می رویم که مرتجعان حاکم، به رهبری ولی فقیه و دیگر سران استبداد همچون هاشمی رفسنجانی برنامه سازمان یافته و همه جانبه بی را برای قبضه مجدد کامل اهرم های حکومتی تدارک دیده و به مرحله اجراء گذاشته اند. ارتجاع زخم خورده از تجربه و دشواری هایی که جنبش مردمی در هشت سال گذشته برایش پدید آورد مصمم است تا با حذف کامل نیروهای دگراندیش و اصلاح طلبان حکومتی و نابودی امکانات فعالیت سیاسی - اجتماعی، هر چند بسیار محدود و ممکن، در مجموع زمینه های ثبات مجدد رژیم را فراهم آورد.

در کنار این تحولات داخلی، مسایل بین المللی و خصوصاً حوادث در کشورهای منطقه و همسایه ایران نقش مهمی در آینده تحولات کشور ما خواهد داشت. یورش نظامی آمریکا و اشغال عراق و افغانستان توسط این کشور و متحدان آن و اجرای خشن سیاست «تغییر رژیم» در مجموع نگرانی ها و دشواری های جدی را برای سران رژیم فراهم آورده است. سران حاکمیت با علم به خطراتی که می تواند آینده حکومت را تهدید کند در واقع خواهان روی کار آوردن دولتی گوش به فرمان ولی فقیه و در عین حال قادر به مذاکره و حل و فصل امور با آمریکا و غرب هستند. سخنان هاشمی رفسنجانی در هفته های گذشته در زمینه توانایی او برای برداشتن گام های بزرگ در این راه نشانه های روشن این طرز تفکر در بخش های کلیدی حاکمیت رژیم ولایت فقیه است. مردم ما به خوبی می دانند که در پس پرده شعارهای تند و توخالی سران رژیم مهمترین اصل برای سردمداران کنونی، در هر معادله و مجادله سیاسی داخلی و بین المللی، نه حفظ منافع ملی و مردمی بلکه حفظ رژیم به هر قیمت و با هر وسیله بی است. ما هر گونه دخالت نظامی و سیاسی آمریکا و متحدان آن در ایران را مغایر منافع مردم می دانیم و معتقدیم که این سیاست تنها در چارچوب اجرای سیاست های استراتژیک امپریالیسم برای کنترل کامل منطقه خلیج فارس و اجرای طرح «خاورمیانه بزرگ» به کار گرفته می شود.

در چنین شرایط جنبش مردمی و نیروهای اجتماعی - سیاسی مدافع آزادی و عدالت اجتماعی در مقابل وظایفی حساس و دشوار قرار دارند. تجربه هشت سال گذشته با وجود همه عقب گردهایی که در دو سه سال اخیر شاهد آن بوده ایم نشان داد که نیروی مردمی منسجم و حاضر در صحنه مبارزه سیاسی می تواند نقش اساسی در تحولات کشور ایفاء کند. تجربه گرانبهای سال های اخیر همچنین نشان داد که تنها با یگانگی و اتحاد عمل است که می توان با امکانات وسیع ارتجاع مقابله موثر کرد. مبارزه آغاز شده برای تحولات اساسی در شیوه ادار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه همچنان ادامه دارد و رژیم ولایت فقیه نخواهد توانست خواست برحق اکثریت جامعه برای تحقق دموکراسی، استقرار آزادی و عدالت را سرکوب نماید. با وجود همه دشواری های پیش رو حزب ما معتقد است که می توان با تلاش سازمان یافته همه معتقدان به رهایی کشور از چنگال استبداد و رژیم دیکتاتوری در مقابل توطئه های ارتجاع ایستادگی کرد و راه را به سمت گسترش و تعمیق اصلاحات واقعی گشود. امیدواریم که فرا رسیدن نوروز و آغاز سال ۱۳۸۴، سال اوج گیری جنبش و پیروزی های بزرگ برای جنبش مردمی باشد. نوروزتان مبارک و رزم تان پیروز باد!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۵ اسفندماه ۱۳۸۳

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت سی و چهارمین سالگرد بنیانگذاری
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای گرامی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)!

کمیته مرکزی حزب توده ایران شادباش های صمیمانه خود را به مناسبت سی و چهارمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت به شما و تمامی اعضاء و هواداران سازمان تقدیم می دارد و برای مبارزه شما در راه حقوق بشر، دموکراسی و عدالت اجتماعی آرزوی موفقیت می کند.

رفقای فدائی!

در طول این دوره سی و چهارساله، حزب توده ایران، به رغم برخی تفاوت های دیدگاهی، همواره مبارزه فدائیان خلق بر ضد استبداد و در راه آرمان های عدالت خواهانه را با دیده احترام نگریسته و بر نقش مثبت سازمان شما در شکل دهی تحولات میهن تاکید داشته است. مبارزه مشترک ما در راستای بسیج توده ها در مبارزه برای از بین بردن نابرابری های اجتماعی و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی فصل مشترک نیرومندی است که حزب ما و سازمان شما را به هم پیوند می دهد.

شما امسال جشن سالگرد سازمانتان را در شرایطی برگزار می کنید که میهن مان یکی از حساس ترین برهه های تاریخ معاصر خود را از سر می گذراند و در شرایط بحرانی و نگران کننده ای قرار دارد. تمامیت خواهانی که کنترل ارگان های اصلی قدرت را در دست دارند، نشان داده اند که به هیچ قیمتی حاضر به گردن نهادن به خواسته های برحق مردم در راستای اجرای اصلاحات واقعی نیستند و با توسل به حربه سرکوب و خشونت بر ضد دگراندیشان سعی در عقیم ساختن جنبش مردمی دارند. حاصل چنین سیاست هایی بحران عمیق اجتماعی - اقتصادی است که اکثریت بزرگی از مردم ما را به زیر خط فقر و محرومیت رانده است. تهاجم سیاسی همه جانبه نیروهای ارتجاعی برای مسدود کردن امکان اصلاحات سیاسی اساسی در کشور و اتخاذ سیاست خارجی نابخردانه در کنار اوضاع بغرنج و پیچیده منطقه خلیج فارس و کشورهای همسایه و حضور نیروهای نظامی امپریالیسم در افغانستان و عراق تهدید های ویژه ای را متوجه استقلال کشور و آینده تحولات سیاسی در میهن کرده است. روشن است که امپریالیسم آمریکا و متحدان منطقه ای آن اکنون هدفمندانه طرح های مشخص و موازی یی را زیر پوشش برنامه «مبارزه با تروریسم»، «مقابله با دست یابی ایران به سلاح های هسته ای»، در چارچوب تحقق «طرح خاورمیانه بزرگ» و برای تضمین کنترل تحولات سیاسی آینده در میهن مان دنبال می کنند.

همرزمان فدائی!

حزب توده ایران همچون شما رفقا تنها حربه موثر برای شکست ارتجاع را اتحاد عمل واقعی و موثر نیروهای مردمی و بسیج توده ها به مقاومت هدفمند می داند. حزب ما بر پایه باور دیرینه خود به ضرورت تاریخی اتحاد نیروهای مردمی در جبهه ای متحد، از هرگونه کوشش جدی و موثر برای غلبه بر پراکندگی نیروهای چپ و دموکراتیک حمایت کرده و می کند. حزب ما امیدوار است که بیست و شش سال پس از انقلاب بهمن ۵۷ نیروهای سیاسی

مترقی و نیروهای اصلی اجتماعی کشور بر پایه تجربه دردناک شکست انقلاب به این نتیجه مهم و تاریخی رسیده باشند که مقابله با توطئه ها و ادامه حاکمیت استبداد و همچنین خطر دخالت خارجی نه در چارچوب های تنگ ملاحظیات فرقه گرایانه و محدود بلکه با درک وظایف خطیر تاریخی کنونی و گام گذاشتن در راه ایجاد ستاد مشترک مبارزاتی برای طرد رژیم ولایت فقیه امکان پذیر است. ما در این راستا از هرگونه کوشش اصولی با هدف پایان بخشیدن به پراکندگی نیروهای آزادی خواه و همکاری نیروهای مخالف رژیم ولایت فقیه فعالانه دفاع می کنیم و آمادگی حزب توده ایران را برای همکاری و اتحاد با همه نیروهای سیاسی دموکراتیک و آزادی خواه کشور اعلام می کنیم. ما هدف اصلی چنین اتحادی را وحدت عملی برای وسعت بخشیدن به نقش توده ها، این مهم ترین مساله جنبش مردمی، در تحولات سیاسی اجتماعی میهن و تعیین سرنوشتشان می دانیم.

ما بر این باوریم که همانگونه که تجربه گرانهای انقلاب بهمن ۱۳۵۷ نشان داد، عدم همکاری و تبادل نظر موثر و جدی نیروهای سیاسی موجب آن شده است که هر تحول مثبتی در اوضاع سیاسی کشور نهایتاً نافرجام بماند. تجربه تاریخ معاصر میهن و کشورهای همسایه بیانگر این حقیقت است که هم سران رژیم ولایت فقیه و هم قدرت های امپریالیستی بطور اساسی مخالف اتحاد های قدرتمند نیروهای سیاسی آزادی خواه می باشند.

ما همگام با همه نیروهای معتقد به منافع ملی میهن اعتقاد داریم که باید با اتخاذ یک سیاست متحد و هماهنگ در مقابل هرگونه دخالت خارجی و سیاست های ماجراجویانه ارتجاع حاکم، که می تواند لطمات جدی به منافع کشور ما وارد کند، سد مستحکمی ایجاد کنیم. ما معتقدیم که موفقیت در مبارزه بر ضد طرح های ارتجاع بدون سازماندهی و اتحاد فراگیر نیروهای آزادیخواه مردمی و مبارزه افشاء گرانه و هماهنگ آنان ممکن نیست.

رفقای گرامی!

ما ضمن شادباش مجدد سی و چهارمین سالگرد بنیانگذاری سازمان شما امیدواریم که جنبش مردمی در سالی که پیش رو داریم در امر اتحاد عمل واقعی و موثر نیروهای دموکراتیک و عدالتجوی میهن به پیشرفت های جدی نائل گردد.

ما همچنان معتقدیم که تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری، متشکل از همه نیروهای مترقی و آزادیخواه، گام ضرور در راه تداوم جنبش خلق و پیروزی مبارزه برای طرد رژیم ولایت فقیه و دست یابی به آزادی و عدالت اجتماعی است.

برای مبارزات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مسیر شعار های مردم زحمتکش میهن آرزوی موفقیت می کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران -

بهمن ماه ۱۳۸۳



عقاید خود چنین نوشته است: « در زندگی من عشق، مردم و عقاید وجود دارند، عقایدی که به آنها عشق ورزیده ام و به آنها عشق خواهم ورزید، عقایدی که با آنها روزهایم را سپری و حرکت هایم را انجام داده ام. من سفرهای فراوانی را انجام داده ام، اما همیشه با تمام قلبم و با تمام وجودم، در یک

نقطه، در یک تاریخ بوده ام. تاریخ رهایی مردم من و همه مردم از چنگال استثمار و بی عدالتی است...». مرگ «گلادیس مارین» ضایعه ای بزرگ برای جنبش کمونیست-کارگری جهان، به ویژه کمونیست های شیلی است. او مبارزی انقلابی بود که با وفاداری به اصول مارکسیسم-لنینیسم، مبارزه ای بی امان بر ضد دیکتاتوری و نولیبرالیسم را در شیلی سامان داد.

دولت شیلی به مناسبت درگذشت رفیق گلادیس مارین در کشور عزای عمومی اعلام کرد و هزاران مبارز و زحمتکش شیلیایی در مقابل جسد بی جان او ادای احترام کردند. هیئت های نمایندگی از اکثر کشورهای آمریکای لاتین و از جمله کوبا، ونزوئلا و اوروگوئه در مراسم تدفین او شرکت جستند. مردم شیلی دختر قهرمان خود را در روز ۸ مارس، روز جهانی زن، به خاک سپرد.

یادش گرامی باد. به مناسبت درگذشت رفیق مارین کمیته مرکزی حزب ما پیام تسلیتی را به کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی ارسال داشت که متن آن در زیر آمده است.

پیام تسلیت حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی

سانتیاگو شیلی - ۸ مارس ۲۰۰۵

رفقای عزیز

کمیته مرکزی حزب توده ایران با اندوه فراوان از درگذشت رفیق گلادیس مارین، صدر حزب کمونیست شیلی، مطلع گردید. یاد رفیق مارین به عنوان مبارزی که سراسر زندگی را وقف مبارزه قهرمانانه مردم شیلی برضد فاشیسم و دیکتاتوری کرد برای همیشه در خاطره توده ها و مبارزان راه آزادی باقی خواهد ماند. شخصیت و مبارزه خستگی ناپذیر او برای دموکراسی، عدالت و صلح الهام بخش تمامی کسانی است که با او هم فکر و همراهند. ما بر زحمات خستگی ناپذیر رفیق مارین در بسط همبستگی بین المللی میان حزب توده ایران و حزب کمونیست شیلی، در دوران دشوار پیکار برضد رژیم های دیکتاتوری شاه و پینوشه و همچنین در سال های اخیر ارج می گذاریم و از جانب تمامی اعضا و هواداران حزب توده ایران عمیق ترین تسلیت های خود را به خانواده رفیق فقید و به تمامی کمونیست های شیلی به مناسبت این فقدان عظیم تقدیم می داریم. باشد که زندگی گلادیس مارین همچون همیشه الهام بخش همه ما در ادامه مبارزه برضد امپریالیسم آمریکا و در دفاع از صلح و عدالت در سراسر جهان باشد.

کمیته مرکزی توده ایران

وداع آخرین با گلادیس مارین، رهبر کمونیست و زن قهرمان شیلی!

«گلادیس مارین»، مبارز برجسته و رهبر انقلابی حزب کمونیست شیلی، سمبل مبارزه بر ضد دیکتاتوری ژنرال «آگوستو پینوشه»، در روز ۱۶ اسفند ماه (۶ مارس)، در سن ۶۳ سالگی، به دنبال یک مبارزه طولانی با سرطان مغزی، به درود حیات گفت. «گلادیس مارین»، جهره برجسته جنبش مردم شیلی در نبرد با دیکتاتوری نظامی آگوستو پینوشه در سال های ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۰ بود. رفیق مارین از رهبران سازمان دهنده اولین تظاهرات گسترده بر ضد دیکتاتور شیلی در سال ۱۹۸۰ بود که با یورش وحشیانه پلیس روبه رو شد.

رفیق «مارین» دختر یک خانواده کشاورز بود. در ۱۶ سالگی به صفوف حزب کمونیست پیوست و مبارزه ی سیاسی خود را با تلفیق کار خود در یک گروه کاتولیک در «تالاگانت» آغاز کرد. رفیق مارین خیلی زود به واسطه شخصیت مبارز و انقلابی به سمت دبیر اولی سازمان جوانان کمونیست شیلی انتخاب شد. این دوران مصادف بود با فعالیت های فراوان او در دفاع از مردم ویتنام و مبارزه انقلابی مردم کوبا بر ضد تحریم های آمریکا. رفیق مارین از سال ۱۹۶۴ تا انتخاب دکتر سالوادور آلنده، کاندیدای «اتحاد مردمی» به ریاست جمهوری، نقش کلیدی در سازمان دهی مبارزان جوان حامی آلنده ایفا کرد. او در سال ۱۹۶۵ برای اولین بار به نمایندگی از سوی زحمتکشان منطقه شماره ۲ سانتیاگو به عضویت در پارلمان شیلی انتخاب شد.

رفیق مارین همچنین در دوره های بعد یعنی در سال ۱۹۶۹ و عاقبت سال ۱۹۷۳، پیش از کودتای خونین ژنرال پینوشه بر ضد حکومت ملی دکتر «سالوادور آلنده»، به نمایندگی پارلمان این کشور انتخاب شد. رفیق مارین نقش برجسته ای در سیاست گذاری فعالیت های مردمی دولت سالوادور آلنده داشت و به همین دلیل نامش در صدر لیست ۱۰۰ نفری بود که کارگزاران کودتا از قبل برای دستگیری و نابودیشان برنامه ریزی کرده بودند. پس از کودتای نظامی سال ۷۳، «گلادیس مارین» برای در امان بودن از شکنجه گاه ها و قتل گاه های رژیم کودتا، به دستور حزب به مقر سفارت هلند در سانتیاگو پناه برد. او قبل از خروج مخفیانه از کشور بیش از یک سال را در سفارت خانه هلند به سر برد. در زمان پناهندگی به سفارت هلند، او آخرین دیدارش را با «خورگه میونوز»، همسر مبارزش، داشت. «میونوز» چند ماه بعد از سوی ماموران اطلاعاتی پینوشه بازداشت شد و پس از آن مانند هزاران مبارز شیلیایی «ناپدید شده» دیگر کسی خبری از او نشنید.

رفیق گلادیس مارین در سال ۱۹۷۸، بر اساس رهنمود حزب، مخفیانه به شیلی بازگشت تا با رهبری سازمان داخلی حزب کمونیست شیلی، مبارزه بر ضد دیکتاتوری پینوشه را با جدیت بیشتری به پیش ببرد. او در سال ۱۹۸۴ به عضویت هیئت سیاسی حزب درآمد و در سال ۱۹۹۴ نیز به دبیر اولی حزب برگزیده شد و سپس در کنگره حزب در سال ۲۰۰۲ رفیق گلادیس مارین به مقام صدر حزب انتخاب گردید. در سال ۱۹۹۸ رفیق مارین اولین نفری بود که شکایت قانونی بر ضد جنایت های پینوشه را آغاز کرد. نتیجه این فعالیت ها، دو کیفرخواست قضایی بر ضد پینوشه و بازداشت خانگی دیکتاتور نظامی پیشین بود.

رفیق مارین تا پایان زندگی خود کمونیست باقی ماند و در شرایط بحرانی پس از فروپاشی اتحاد شوروی، در مبارزه یی جدی و سرسخت، صفوف حزب کمونیست شیلی را از رخنه افکار انحرافی و ناسالم محفوظ نگاهداشت. او هیچ گاه دولت غیر نظامی را که در سال ۱۹۹۰ جایگزین دولت پینوشه شد تایید نکرد و در این مورد متذکر شد: «من نمی توانم از چنین دولتی پشتیبانی کنم، در حالی که هنوز کودکان گرسنه در خیابان های کشورم وجود دارند.»

رفیق با محبوبیتی که در شیلی داشت توانست در آخرین انتخابات ریاست جمهوری این کشور در مقام نامزد نیروهای چپ، بیش از ده درصد آرا را به خود اختصاص دهد. رفیق مارین در اولین صفحه زندگی نامه خود در مورد زندگی و



هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنگره ۱۷ کنگره ۱۷ حزب کمونیست یونان - کنگره «وحدت و انسجام ایدئولوژیک»

کنگره حزب کمونیست یونان، با شعار پیش بسوی «یک حزب کمونیست قدرتمند تر، برای خلق، برای اتحاد های مردمی، و برای سوسیالیسم»، در فاصله روزهای ۱۹-۲۲ بهمن ماه جاری، در تالار مجلل کنگره های ساختمان مرکزی حزب برادر، در آتن پایتخت یونان، با موفقیت برگزار شد. حضور ۷۴ هیئت نمایندگی احزاب برادر از پنج قاره جهان و از جمله از کشورهای چین، ویتنام، کوبا و جمهوری دموکراتیک خلق کره در کنگره که صحنه بحث های داغ بیش از ۵۰۰ نماینده صاحب رای سازمان های پایه حزب کمونیست یونان بود، به این کنگره جلوه و محتوی خاصی بخشیده بود. از ایران هیئت نمایندگی حزب توده ایران به دعوت رسمی حزب برادر در این کنگره حضور داشت. آنچه از همان ابتدای کنگره دقیقاً مشخص و مشهود بود، سطح بسیار بالای تدارک و سازماندهی تشکیلاتی بسیج شده برای برگزاری موفق کنگره بود. در اکثر خیابان های آتن که منتهی به محل برگزاری کنگره می شد پرچم ها سرخ منقش به آرم و اسم حزب و پوستر های زیبا، مردم یونان را از برگزاری این کنگره مهم مطلع می کردند. عمده مطالب روزنامه پرتیراژ ارگان حزب و شبکه رادیو و تلویزیون حزب کمونیست یونان در روزهای کنگره به پوشش بحث ها و اخبار کنگره اختصاص داشت. کنگره ۱۷ حزب کمونیست یونان تجربه و عملکرد حزب از کنگره ۱۴ تاکنون را با بررسی عرصه های ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی حیات مبارزاتی آن مورد مطالعه قرار داد.

این کنگره در حقیقت نقطه اوج و خاتمه موفق روندی بود که از کنگره ۱۴ حزب برادر، در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی، به منظور بازسازی سیاسی - تشکیلاتی و ایدئولوژیک حزب آغاز شده بود. حزب کمونیست یونان همانند اکثر احزاب برادر، در اوایل دهه ۹۰ میلادی، تحت تاثیر رخداد های کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی و فروپاشی اتحاد شوروی سابق در شرایط دشواری قرار گرفت. حزب برادر در این دوره دو انشعاب از مواضع چپ افراطی (بخشی از سازمان جوانان کمونیست یونان) و از مواضع سوسیال دموکراسی (ائتلاف نیرو های چپ سیناسپیموس) را تجربه کرد. کنگره های ۱۵ در سال ۱۹۹۶ و کنگره ۱۶ در دسامبر سال ۲۰۰۰ مراحل تعیین کننده از روند تأمین دوباره وحدت تشکیلاتی و سیاسی حزب را سامان داده بودند. کنگره اخیر مانند کنگره ۱۶ در چهار سال قبل قدمی فراتر در تثبیت وحدت حزب و تصریح جهت سیاسی آن محسوب می شد.

شرکت و سخنرانی هیئت های نمایندگی رسمی حزب محافظه کار حاکم «دموکراسی نوین» و حزب سوسیالیست یونان (پاسوک) که در اپوزیسیون قرار دارد و دیگر نیرو های سیاسی یونان در مراسم افتتاحیه کنگره نمایشی از موقعیت مهم حزب کمونیست یونان در حیات سیاسی این کشور بود. مقبولیت انتخاباتی حزب در سال های اخیر نسبت به اواخر ۱۹۹۰ در حدود یک و نیم برابر افزایش یافته است. کمونیست های یونان اکنون با کنترل حدود ۶ درصد آرا مردم سومین

نیروی سیاسی کشور محسوب می شوند. طبق گزارش های ارائه شده در کنگره تعداد خوانندگان روزنامه ارگان مرکزی حزب نیز در یک سال اخیر افزایش یافته است.

شروع کنگره با نمایش فیلم ویدئویی کوتاهی از تاریخ حزب و مبارزات آن و همچنین پیامی ضبط شده بی از رفیق هاریلائوس فلوراکیس، صدر محبوب و دبیر کل پیشین حزب، که به دلیل بیماری قادر به شرکت در کنگره نشده بود، همراه بود. رفیق فلوراکیس در پیام خود بر حقانیت و موضوعیت سوسیالیسم تاکید کرد.

رفیق الکا پاپاریگا، دبیر کل حزب، در سخنرانی خود برای ارائه گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان به کنگره ۱۷، نیاز به تقویت حزب برای کمک به سازماندهی مقاومت در مقابل «گردباد مهلک رفورم ها و تجدید ساختار ارتجاعی» که جنبش مردمی را هدف قرار داده است، مورد توجه قرار داد. رفیق پاپاریگا متذکر شد که سیاست های کلیدی و محوری دو حزب اصلی کشور در عمل شبیه هم هستند. او همچنین اتحاد عمل با «سیناسپیموس» (ائتلاف نیرو های چپ، جنبش ها و اکولوژی) را به خاطر سیاست های این جریان در حمایت از اتحادیه اروپا منتفی دانست. رفیق پاپاریگا متذکر شد: آنچه مورد قضاوت ماست نه بیانیه ها و ادعا های سیناسپیموس بلکه موضع گیری های برنامه آن است» که عمدتاً در مسیر یکی شدن (انترکراسیون) با اتحادیه اروپا و قبول رفورم های اقتصادی سرمایه داری منبعث از آن حرکت می کنند. رفیق پاپاریگا اهداف، ارجحیت ها و عرصه های عمل حزب را برای آنکه بتواند نقش و تأثیر قویتری در جامعه و بخصوص در بین طبقه کارگر و جنبش جوانان ایفاء نماید، مورد تاکید قرار داد.

بحث های کنگره عمدتاً در رابطه با آماج اصلی مبارزه حزب برای تقویت تشکیلاتی و افزایش تعداد اعضای آن بود. یکی از مشخصه های چشم گیر کنگره سطح قابل توجه انتقاد از خود رهبری و بحث باز در مورد عملکرد حزب در دوره بین دو کنگره بود. یکی از بحث های جالب کنگره در رابطه با ارزیابی حزب از مشخصه های سرمایه داری یونان و پی آمد های این تحلیل برای برنامه سیاسی مطرح شده از سوی رهبری حزب بود. تزه های کمیته مرکزی که به کنگره ارائه و مورد بحث و تصمیم گیری واقع شد مطرح می کرد که سرمایه داری یونان از مدت ها پیش به مرحله سرمایه داری انحصاری رسیده است و امروز کمتر از ۲۰ شرکت انحصاری بیش از ۷۰ درصد اقتصاد یونان را در کنترل دارند. تزه های مورد بحث کنگره مطرح می کردند که سرمایه مالی یونان بر رغم اتکاء آن بر ایالات متحده و دیگر مراکز امپریالیستی، خود نیز امپریالیستی بوده و در صدد توسعه محدودده نفوذش و از جمله سرمایه گذاری در بالکان، به ویژه در مقدونیه، کوسوو و

ادامه مصاحبه «نامه مردم» با ...

قضاوت مردم در آینده در قیاس عملکرد دولت مستقل بر پایه کارنامه و شیوه های عمل دولت خودگردان فلسطینی خواهد بود. لذا دموکراسی جزء اصلی مبارزه فلسطینی ها می باشد و انتخابات گذشته نمونه مشخصی از آن بود. انجام این انتخابات بر پایه قانون اساسی (قانون پایه) ضروری بود. این تنها راه برای مشروعیت بخشیدن به رهبری فلسطین بود، رهبری ای که می بایست در مذاکره با دشمن و جامعه بین الملل از حقوق مردم فلسطین دفاع کند، و این در شرایطی بود که یک رهبر فعال و پرتحرک («کاریماتیک») مطرح نبود.

حزب ما در انتخابات ریاست جمهوری کاندیدای مشخص خود را داشت، بر رغم شرایط بسیار دشوار ما ۳ درصد آرا را به دست آوردیم. گرچه این از آنچه انتظار داشتیم بسیار کمتر بود، اما برای ما این آزمایش مفیدی بود، و درس مهمی به ما داد که خودمان را برای انتخابات آتی در ماه ژوئیه آماده کنیم. ما در ماه ژوئیه انتخابات پارلمانی (قوه مقننه) را در پیش داریم. حزب مردم فلسطین در آینده نزدیک کنگره چهارم خود را برگزار خواهد کرد، که ما امیدواریم حزب شما هم دعوت ما را برای حضور در آن بپذیرد، ما امیدواریم که این کنگره سکویی باشد برای حرکتی موثر و تخته پرشی به سوی انتخابات قوه مقننه. ما تنها حزبی هستیم که کنگره خود را قبل از انتخابات برگزار می کند. کنگره سازمان «الفتح» پس از انتخابات انجام خواهد شد. حزب مردم فلسطین نیروی سیاسی توده ای عمده ای در مناطق اشغالی است که دارای موقعیت ویژه ای در ارتباط با توده ها در مبارزه و کار روزانه و زندگی آنهاست. حزب ما در کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین نماینده دارد و همچنین در مرکز جنبش سیاسی مردم فلسطین است. ما در تماس روزانه با جنبش مردم هستیم. ما یک وزیر در دولت خودگردان داریم و این خود نمایش به رسمیت شناختن نقش حزب ما در جنبش مردمی است. در آخرین انتخابات شهرداری ها ۱۳ کاندیدای حزب مردم فلسطین در شوراهای ۱۰ شهر کرانه غربی موفق شدند. حزب ما نقش بزرگی در بسیج مردم برضد اشغال داشته و دارد و این به ارمغان آورنده اعتبار توده ای برای ما است. ما می توانیم با صدای رسا بگوئیم که حزب مردم فلسطین اولین حزبی بود که کارزار برضد ساختمان دیوار نژاد پرستانه آغاز کرد و اولین کمیته های مردمی برضد دیوار با شرکت رفقای حزب ما ایجاد شد. همچنین حزب موفق شده است که از ارتباطات بین المللی خود برای جلب همکاری نیروهای داوطلب برای کارزار بین المللی بر علیه دیوار بهره بجوید. ما موفق شده ایم که همکاری صدها داوطلب از همه کشورهای اروپایی را برای شرکت در کارزار برضد دیوار جلب کنیم.

س - رفقا - اخیراً کنفرانس لندن با شرکت رهبری دولت خودگردان فلسطین به دعوت دولت انگلستان و با شرکت تعدادی از کشورهای عربی و همچنین حضور فعال آمریکا و اتحادیه اروپا برگزار شد. شما در ماه دسامبر نگرانی هایی را در

رابطه با این کنفرانس بیان کرده بودید. ارزیابی شما از نتایج کنفرانس چیست؟

رفیق بسام صالحی: ببینید رفقا - ما معتقدیم که اوضاع و تناسب قوا بصورت لحظه ای در تغییر است. در تعیین مواضع و تحلیل رخدادها می باید این تغییرات را در نظر گرفت و بر پایه واقعیات عینی حرکت کرد. کنفرانس لندن را، که بدون شرکت اسرائیل صورت گرفت و در آن ایالات متحده عملاً منافع و مواضع اسرائیل را نمایندگی می کرد، باید در ادامه و در بطن اجلاس «شرم الشیخ» در نظر گرفت. یکی از نتایج مذاکرات شرم الشیخ این بود که شارون مجبور شد «آتش بس دوجانبه» را قبول کند. یعنی موافقتی دوجانبه. قبل از این اجلاس دولت اسرائیل عملاً خواستار توقف مبارزه مردم فلسطین و در واقع تسلیم بی قید و شرط بود. این شروعی جدید برای دور جدیدی از تلاش برای حل مسأله فلسطین از طریق مذاکره می باشد. به نظر من در این شرایط می توان از به جریان افتادن نیرویی برای برخورد با مسأله فلسطین سخن گفت. این امر فضای سیاسی را عوض کرده است. در این شرایط ما سعی داریم از اینکه هیچ گونه فرصتی برای فرار از مذاکره به شارون داده بشود، احتراز شود. ما خواستار به اجرا در آمدن مرحله اول «نقشه راه صلح» هستیم، یعنی برگشتن به سپتامبر ۴ سال قبل. و لازمه این توقف خشونت از هر دو سو و دخالت جامعه بین المللی است. اسرائیل سعی دارد که با طرح جزئی ترین مسایل و بحث بر روی آن ها، عملاً مانع پیشروی مذاکرات شود اما موضع فلسطینی ها در کنفرانس لندن مشخص بود. ما معتقدیم که دیوار حایل و ادامه ساختمان شهرک های مسکونی یهودیان در کرانه غربی سد های اصلی در مسیر از سرگیری مذاکرات مستقیم دو طرف می باشد. اسرائیل بر رغم فراخوان های بین المللی به ساختمان دیوار ادامه داده است و ۶۰۰۰ واحد مسکونی جدید در کرانه غربی احداث کرده است. یعنی عملاً در برخورد اسرائیل چیزی عوض نشده است.

هدف ما در مقابل شروع مذاکرات جدی برای حصول یک راه حل کامل و استقرار دولت مستقل فلسطینی در مرزهای ۱۹۶۷ می باشد. در کنفرانس لندن ما ۳ مسأله کلیدی را مورد توجه قرار دادیم. مسأله اول در رابطه با مداخله و شرکت وسیعتر و فعال تر جامعه بین الملل و بخصوص گروه چهارگانه و اینکه آمریکا به تنهایی در این رابطه فعال نباشد. دومین مسأله ادامه جنبش توده ای انتفاضه برضد تجاوزات اسرائیل می باشد. به باور ما آتش بس متقابل به معنی توقف مبارزه نیست. در این رابطه ما نیاز به حمایت ها و همبستگی بین المللی داریم. مسأله سوم در رابطه با جلب حمایت جامعه بین الملل به منظور برگزاری یک کنفرانس بین المللی در رابطه با حل مسأله فلسطین در چارچوب و بر پایه قطعنامه های سازمان ملل می باشد. در کنفرانس لندن ما مسأله کنفرانس بین المللی را مطرح کردیم. فرانسه با آن موافق اما ایالات متحده با آن مخالفت ورزید. در کنفرانس لندن همچنین در رابطه با طرح اصلاحات در فلسطین بحث و تبادل نظر شد. در رابطه با فرم ارگان های مسئول مالی، قوانین داخلی و همچنین دموکراسی تبادل نظر شد. طرف فلسطینی خواهان کمک های مالی برای سازماندهی این امور و ادامه ساختمان نهادهای دموکراتیک و کمک به جاری شدن دموکراسی مردمی شده است.

ابو مازن در کنفرانس مطرح کرد که بدون تغییرات سیاسی در وضعیت، هیچ تغییر واقعی ممکن نیست. ما بخش مربوط به خودمان را انجام می دهیم و اسرائیل می باید وظایف خود را انجام دهد. ما نتایج کنفرانس لندن را در کل مثبت ارزیابی می کنیم.

ادامه مصاحبه «نامه مردم» با ...

انتخاب «ابوماذن» در حقیقت یک معامله متقابل (دوجانبه) بود. از سویی آمریکا حاضر به مذاکره و عمل با او می‌باشند و از سوی دیگر او امکان نمایندگی کردن خواست‌ها و شعارهای عمده رهبری و جنبش فلسطین را داشت و می‌توانست با آن‌ها کار کند.

حقیقت اینست که ابوماذن درس و نتیجه‌گیری مشخص و مفیدی از مذاکرات موافقتنامه اسلو دارد و آن اینکه قرارداد های موقت و گذرا نتیجه بخش نیستند. او می‌گفت که «موافقتنامه اسلو» یا ما را به یک صلح و توافق خواهد رساند و یا اینکه به جهنمی منتهی خواهد شد.

در عمل «موافقتنامه اسلو» به جهنم منتهی شد. «موافقتنامه اسلو» مراحل و اهداف مذاکرات را مشخص نکرد و لذا در طول مذاکرات اسرائیلی‌ها به عوض متوقف کردن ساختمان شهرک‌های یهودی‌نشین به ساختمان آن‌ها ادامه دادند. به عوض منجمد کردن پروژه در عمل تعداد این شهرک‌ها بیشتر شد. ده سال پس از اسلو ما با شهرک‌های بیشتری روبرو هستیم. شکست موافقتنامه اسلو در عمل منجر به انتفاضه و نظامی شدن این جنبش برحق مردم فلسطین شد و این آخری به نوبه خود به ساختمان دیوار حایل منجر شد.

س- از مبارزه مسلحانه و نظامی شدن انتفاضه سخن گفتید. ارزیابی حزب مردم فلسطین از عملکرد نیروهای تند رو و مبتکران «حملات انتحاری» چیست؟

هنّا امیره: من بر این اعتقادم که در شرایط مبارزه فلسطینی‌ها و در مرحله اخیر آن، نظامی شدن عملاً کمکی نکرده و موثر نبوده است. «حملات انتحاری در حقیقت نمایشگر شکست مبارزه نظامی می‌باشند».

در مجموع حزب مردم فلسطین براین باور است که نظامی شدم انتفاضه «انتخابی» بود که به جنبش تحمیل شد. البته با قبول این که عکس العملی قابل درک در مقابل تهاجم و تجاوز اسرائیل بود. برخی نیروهای فلسطینی چاره‌ای جز این نمی‌دیدند که به آتش حملات اسرائیل پاسخ بدهند- و این در شرایطی بسیار دشوار- در شرایط موازنه منفی و غیرمساعد قوا چه در منطقه و چه در سطح بین‌المللی صورت می‌گرفت. بدون داشتن یک استراتژی برای این مقاومت و بدون محاسبه.

به باور من جغرافیای کرانه غربی برای مبارزه مسلحانه مناسب نیست. هیچ تمرکز جمعیتی مناسب برای در پناه گرفتن مبارزان مسلح وجود ندارد. ارتش اسرائیل می‌تواند در عرض ۱۵ دقیقه به هر جایی که می‌خواهد برسد. یک نکته مهم در ارزیابی تاثیر تاکتیک‌های مبارزاتی این می‌باشد که پس از هر تهاجمی اشغال مناطق فلسطینی وسیعتر شده است و از این نظر اشغالگری اسرائیل منحصر بفرد است. هر حمله‌ای منجر به ساختمان یک شهرک یهودی‌نشین جدید شده است.

مبارزه مسلحانه می‌بایست موقت و تاکتیکی می‌بود و بر رغم نتیجه آن می‌بایست طرفین آماده نشستن بر سر میز مذاکره باشند.

س- کمی در رابطه با محورهای مبارزاتی حزب مردم فلسطین، موقعیت آن در جنبش فلسطین در مرحله کنونی برای ما بگوئید.

هنّا امیره: قبل از هر چیزی ما بر این باوریم که در شرایط حاضر مشخصه‌های نوینی در مبارزه مردم فلسطین پدید آمده است. مشخصه اصلی و عمده در میان آن‌ها ارتباط نزدیک و تقریباً منطبق شدن وظایف ملی و اجتماعی این مبارزه است. تحولات فلسطین را نمی‌توان بدون در نظرگیری زمینه‌ای که مبارزات مردم بر آن در جریان است، در نظر گرفت. یکی از عوامل مهم در درک تحولات فلسطین در نظر گرفتن این واقعیت است که جنبش فلسطین دولت خودگردان خود را قبل از کسب استقلال و حق حاکمیت ایجاد کرد. این دولت خودمختار مدلی است که کشور فلسطینی نوین، که ما در راه ایجاد آن مبارزه می‌کنیم، بر پایه تکامل آن و تصحیح اشتباهات در رابطه با آن شکل خواهد گرفت.

قبول این شرایط، وحشت و نگرانی از یک جنگ داخلی، جنگ در درون فلسطینی‌ها بود. اما ما به یک توافق ضمنی دست یافته ایم. و معتقدیم که «جهاد اسلامی» و «حماس» نیز در کل به این توافق کردن نهاده اند. «نقشه راه صلح» در بر دارنده برخی نکات مثبت و خوب و قابل قبول است. مسأله‌ی بی‌که در اساس نگران کننده و در آغاز طرح آن مورد مخالفت فلسطینی بود، گنجاندن یک شرط اصلی در آن مبنی بر «مبارزه با تروریسم» بود. اینکه تروریسم چیست از سوی طرفین درگیری به صورت متفاوت تعریف می‌شود. ما کوشش کرده ایم که «جهاد اسلامی» و «حماس» را متقاعد کنیم که آتش بس را قبول کنند. ما در رابطه با عواقب خطرناک ادامه شرایط کنونی (عملکرد اسرائیل و متوقف بودن پروسه مذاکره برای صلح) اخطار داده ایم. نظامی شدن فاز سال‌های اخیر انتفاضه، جنبش اعتراضی مردم فلسطین، بویژه در دوره پس از ۱۱ سپتامبر، تاثیرات منفی بر مبارزه ما داشته است. نیروهای فلسطینی می‌بایست در این دوره حملات انتحاری را کنار می‌گذاشتند. حزب مردم فلسطین معتقد بوده است که حدود مبارزه فلسطینی‌ها از نظر شعارها و تاکتیک‌های مبارزاتی می‌باید در رابطه با برنامه سیاسی ما باشد. ما اگر خواستار راه حلی مبنی بر موجودیت دو کشور در مجاورت همدیگر باشد، آنگاه ما نباید از عملیات نظامی در داخل اسرائیل حمایت کنیم. ما در مقام بخشی از رهبری جنبش فلسطین اخطار کردیم که باید خیلی محتاط باشیم، چرا که ممکن است تروریست خوانده شویم. اینکه دولت اسرائیل سعی به توجیه اقدام به ساختمان دیوار حایل کرد در حقیقت از عواقب حملات انتحاری بود.

س- انتخابات اخیر ریاست جمهوری در شرایط بغرنج خاورمیانه به پیروزی محمود عباس، ابوماذن، منجر شد. تحلیل حزب شما از نتایج این انتخابات و شخصیت سیاسی «ابوماذن» چیست؟

هنّا امیره: در رابطه با «ابوماذن»، محمود عباس، و انتخاب او به ریاست جمهوری با نزدیک به دوسوم آراء مردم فلسطین، این اهمیت دارد که به چند نکته توجه شود. اولاً او شخصیتی بود که در ۴۰ سال اخیر همیشه در کنار «یاسر عرفات» و همراه و مورد اعتماد او بود. در جریان مذاکراتی که منجر به امضاء موافقتنامه «صلح اسلو» شد، ابوماذن نماینده یاسر عرفات بود و از طرف او در مذاکره با طرف اسرائیلی و مقامات آمریکایی شرکت کرد. اینکه کسی از این مذاکرات خبر نداشت بواسطه این بود که این مذاکرات سری بود و ضرورتاً فقط خود یاسر عرفات و عده محدودی در رهبری از آن اطلاع داشتند. عامل اصلی اینست که فلسطینی‌ها این موافقتنامه را قبول کردند، گرچه برخی جنبه‌های منفی و ضعیف داشت. ابوماذن تنها شخصیتی در درون رهبری «الفتح» است که فراکسیون و بلوک خودش را ندارد. او از همان آغاز انتفاضه بطور پیگیر با نظامی شدن آن مخالف بود. او مواضع بسیار روشن و صریحی دارد. شما یا این مواضع را قبول دارید و یا نه. در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری فلسطین در ژانویه، در عمل او تنها انتخاب مطرح بود. مردم فلسطین انتخاب دیگری نداشتند. آن‌هایی که ابوماذن را به مثابه نیروی راست قلمداد می‌کنند و از انتخاب او نگرانند، تا حدی از ترکیب و تناسب نیروها در رهبری فلسطین نا آگاهند. مهره‌های راست در رهبری جنبش فلسطین شخصیت‌هایی از قبیل «محمد دهلان» هستند که کاندیداهای مورد اعتماد آمریکا و اسرائیل هستند.



رفیق بسام صالحی

است و نه هیچگونه کنترلی بر روی عقب کشیدن نیروهای اسرائیل و ساکنان شهرک های یهودی نشین داریم. اسرائیل تمایل دارد که رهبری فلسطین در مرحله اجرای طرح شرکت داشته باشد. دولت شارون خواستار است که جامعه بین المللی در این جریان درگیر شود. این یعنی نوعی بین المللی کردن مخدوش شرایط به نفع و طبق شرایط اسرائیل.

از جانب دیگر ما معتقدیم که این طرح تأثیرات عمیقی بر اوضاع داخلی اسرائیل خواهد داشت و ممکن است که موجب تغییرات ریشه ای در نقشه سیاسی اسرائیل بشود. ما می توانیم شاهد شکل گیری ائتلاف های جدیدی باشیم. شارون سعی دارد سیاست های خود را در پوشش حرکت به سوی مواضع راست میانه تصویر کند. در درون لیکود حدود ۱۸ تا ۲۰ نماینده پارلمان بر ضد طرح عقب نشینی از غزه هستند. جناح راست لیکود عملاً در اتحاد با نیروهای صهیونیست ارتدکس که در حزب «شائت» جمع هستند، قرار گرفته است.

شارون صریحاً و عملاً مطرح می کند که بر پایه این طرح او تمامی نیروها و شهروندان اسرائیلی را از نوار غزه بیرون می کشد اما در مقابل مناطق مشخصی از کرانه غربی را برای همیشه به تصاحب اسرائیل در خواهد آورد. این سیاست تأثیرات عمیق و پر دامنه ای نه فقط در فلسطین بلکه در خود اسرائیل خواهد داشت. مسئله ای که ما با آن مواجه هستیم اینست که جهان را متقاعد کنیم که عقب کشیدن نیروها و شهرک های اسرائیلی از غزه بر طبق «نقشه راه صلح» که مورد حمایت سازمان ملل و گروه چهارگانه بین المللی صورت نمی گیرد، بلکه در واقع یک طرح جدید است.

تا آنجا که به «نقشه راه صلح» مربوط می شود، در شرایط کنونی این تنها کار پایه مطرح است. عملاً وضعیت طوری است که «نقشه راه صلح» از سوی طرف فلسطینی در شرایط کنونی پایه مذاکرات قبول شده است. عامل اصلی برای ما در

مصاحبه نامه مردم با هیئت رهبری حزب مردم فلسطین

مرحله یی نوین در مبارزات مردم فلسطین!

هنا امیره: «مبارزات ما باید این امر را که مرحله ای نوین در مبارزات خلق فلسطین آغاز شده است، در نظر بگیرد.»

اخیراً در ملاقاتی که بین هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران و رفقا «بسام صالحی»، دبیر کل «حزب مردم فلسطین» و «هنا امیره»، عضو هیئت سیاسی و سردبیر نشریه «صوت الوطن»، ارگان مرکزی حزب، و نماینده حزب در هیئت اجراییه «سازمان آزادیبخش فلسطین» برگزار شد، شرایط حساس و بغرنج منطقه و ضرورت گسترش و تعمیق روابط بین دو حزب برادر مورد بررسی قرار گرفت. در حاشیه این ملاقات رفقا به سؤال هائی در رابطه با برخی جوانب کنونی مبارزه مردم فلسطین و مواضع «حزب مردم فلسطین» پاسخ دادند که متن آن در ادامه منتشر می شود.

س- رفقا لطفاً در مورد تحلیل حزب مردم فلسطین از محور های عمده مبارزه مردم فلسطین در برهه کنونی و آماج های اصلی این مبارزه و همچنین مشکلات بر سر راه آن برای ما بگوئید؟

هنا امیره: حزب مردم فلسطین معتقد است که ما در راستای مرحله نوینی از مبارزه در فلسطین حرکت می کنیم و این مبارزه مشخصه های ویژه و جدیدی دارد. اول اینکه مبارزه مردم فلسطین از مرحله تقابل نظامی به شرایط پیوستن به روند سیاسی تحول یافته است. دوم اینکه ما فکر می کنیم سیستم سیاسی در فلسطین در دوره پس از درگذشت پرزیدنت عرفات می رود که بر پایه مشروعیت انتخاباتی اعاده گردد. سوم اینکه ما شاهد مداخله همه جانبه و عظیم ایالات متحده آمریکا در مسایل داخلی فلسطین خواهیم بود.

ما می دانیم که طرح دولت اسرائیل مبنی بر عقب کشیدن از نوار غزه، موسوم به «طرح تخلیه»، خطرناک ترین تهدیدی است که ما در ماه های آتی با آن مواجه خواهیم بود. این خطر به این دلیل است که هدف این طرح حساب شده دولت شارون تحکیم و تقویت اشغال کرانه غربی تحت پوشش بیرون کشیدن نیروهای خود و عقب نشینی از نوار غزه است. اسرائیل در واقع سعی دارد مواضع خود در کرانه غربی را از طریق قوانین و تمهیدات نژاد پرستانه، از طریق ایجاد دیوار حایل به دور مناطق محل سکونت فلسطینی ها و شرایط سخت برای ساکنان فلسطینی بیت المقدس، تحکیم بخشد. این واقعیت شرایطی است که مردم فلسطین در ماه های آینده با آن مواجه خواهند بود.

س- عکس العمل شما و همچنین رهبری فلسطین در باره تبعات عقب نشینی اسرائیل از غزه چیست؟ به نظر می آید که «نقشه راه صلح» بار دیگر در مرکز صحنه مطرح است. تحلیل شما در رابطه با این «ابتکار» که مورد حمایت گروه چهارگانه (سازمان ملل، آمریکا، اتحادیه اروپا و روسیه) می باشد و تبعات آن چیست؟

هنا امیره: مسأله این نیست که ما در مقام یک حزب و یا در چارچوب رهبری فلسطین نمی توانیم در شرایط متفاوت کنونی، و در چارچوب یک ابتکار بین المللی مانند «نقشه راه»، از منافع خلق فلسطین دفاع کنیم. اما مسأله این است که سیاست ها و عملکرد اسرائیل شرایطی دشواری را بوجود آورده است. ما مجبوریم که با تبعات سیاست های اسرائیل و از جمله عقب کشی یکجانبه از غزه برخورد کنیم، در حالیکه نه هیچ مشورتی با ما در این باره شده

ادامه در صفحه ۷

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 708
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

15 March 2005

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک